

جستاری در مصادیق و جلوه‌های تعاملات فاسد در نظام عدالت کیفری ایران

فاطمه سلیمان‌زاده • دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

f.soleimanzade@modares.ac.ir

محمود صابر • دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m.saber@modares.ac.ir

(نویسنده مسئول)

چکیده

تعاملات فاسد کنشگران قضایی در نظام عدالت کیفری، می‌تواند مشروعیت این نظام را در تضمین اجرای عدالت و مبارزه با جرم، مخدوش کند. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل مهم‌ترین مصادیق این تعاملات در مراحل مختلف دادرسی کیفری، با روش تحلیل محتوای اسناد و مدارک از جمله پرونده‌های مربوط به فساد قضایی رسانه‌ای شده، و هم‌چنین بهره‌جویی از ۳۰ مصاحبه عمیق با وکلا و کنشگران قضایی سامان یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مرحله تحقیقات مقدماتی، تعاملات فاسد بیشتر با هدف اجتناب از تشکیل پرونده، حذف ادله جرم، صدور قرارهای تأمین نامتناسب یا ختم پرونده انجام می‌شود. در مرحله دادگاه، این تعاملات در جهت بهبود شرایط شخص نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی، رد تصمیمات متخذه در دادسرا و ادله اثبات شده، و نهایتاً صدور حکم بر براءت یا محکومیت شخص به مجازات مساعد، صورت می‌گیرد. کشف و تحلیل این مصادیق، بسترهای قانونی شکل‌گیری چنین تعاملاتی را آشکار کرده و بر ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای پاسخگویی مناسب در چارچوب اصل اعطای اختیارات قانونی، تأکید می‌نماید.

واژگان کلیدی: فساد قضایی، دادرسی کیفری، عدالت کیفری، عدالت قضایی، فساد قضایی، نظریه کنش ارتباطی هابرماس.

مقدمه:

فساد در نظام قضایی یکی از مخرب‌ترین اشکال فساد نهادی است که پیامدهای مستقیم آن بر حقوق شهروندان، مشروعیت نظام عدالت و ثبات ساختارهای دموکراتیک آشکار می‌شود. (The International Bar Association Judicial Integrity Initiative, 2016:13). دستگاه قضایی که برای تضمین عدالت و مبارزه با فساد در جامعه شکل گرفته است، در صورت آلوده شدن به رویه‌های فاسد، نه تنها کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد بلکه به مانعی در برابر تحقق عدالت نیز بدل می‌شود.^۱ در حالی که نظام قضایی و حرفه‌های شاغل در آن نقش اساسی در مبارزه با فساد دارند، خود این افراد می‌توانند در معرض سوء رفتارهای فاسد در نظام قضایی قرار بگیرند و زمانی که نهادهای بخش عدالت خودشان در معرض فساد قرار گیرند، هیچ سازوکار ضد فساد مؤثری نخواهد بود.^۲ خطر سوء رفتار این اشخاص زمانی بیشتر می‌شود که هیچ اثر یا قربانی جهت کشف و گزارش عمل فاسد آنها وجود نداشته باشد. تعاملات فاسد که در آن حداقل دو نفر برای نقض رویه معمول و قانونی توافق می‌نمایند با توجه به منتفع شدن هر دو طرف و عدم تمایل به گزارش، پنهانی بوده و معمولاً کشف نشده و در صورت کشف نیز تعقیب و محکومیت اشخاص تعامل کننده به دلیل فقدان ادله اثباتی بعید و دور از انتظار می‌باشد.

مرکز پژوهش‌های مجلس در شهریورماه ۱۳۹۷ گزارشی رسمی تحت عنوان «پایش امنیت سرمایه گذاری در زمستان ۱۳۹۶» تهیه و منتشر کرد که در بخشی از گزارش، میزان شیوع رشوه در ادارات از صفر تا ده طبقه بندی شده است. میانگین رشوه در کل استانها ۷۲/۷ در رده بدترین وضعیت ممکن است (معاونت پژوهشهای اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۷:۳۱). سطح عمومی فساد در جامعه و در سایر ارگانهای دولتی، همبستگی خیلی نزدیکی با سطح فساد در سیستم قضایی دارد، هرچه فساد در دستگاه قضایی، شایع باشد، میزان فساد در بخشهای دولتی نیز به صورت حداکثری رواج پیدا میکند. در ایران متداول ترین مصادیق فساد قضایی بنا به اظهار رئیس دیوان عالی کشور مربوط به ارتباطات غیراخلاقی و فساد مالی (بر پایه یک توافق) است.^۳ از جمله پرونده رسوایی قضایی در ایران می‌توان به پرونده آقای اکبر طبری معاون اجرایی ریاست

^۱ Who Guards the Guardians. (Figuerola, 2012. 33(2):196)

^۲Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. www.U4.no.p48

^۳ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/06/2041893>

قوه قضاییه وقت، که در آن نام قضات بسیاری به عنوان متهمان ذکر شده بود، اشاره کرد، این پرونده به وضوح نشان از وجود عمق فساد قضایی و وجود حلقه ها و ارتباطات بزرگ فساد در این نهاد می باشد. این پرونده نشان داد که چگونه تعاملات فاسد مقامات قضایی می تواند روند قضایی معمول را نقض نموده و چهره نظام قضایی را در منظر عموم غیر مقبول سازد.

این تحقیق در پی آن است که با بررسی دقیق تعاملات و ارتباطات فاسدی که میان مقامات رسمی مجاز با اشخاص ذی نفع در روند دادرسی کیفری شکل می گیرد، جلوه های این تعاملات را آشکار نموده و با تحلیل این جلوه ها ضمن تبیین تنوع آنها در مراحل مختلف دادرسی در نظام عدالت کیفری، اختیارات ناشی از قوانین موجود را که بستر این تعاملات را فراهم می نمایند، مورد شناسایی قرار دهد.^۴ شایان ذکر است که در نظام حقوقی ایران، صرفاً برخی از این سوء رفتارها و جلوه ها آن هم به دلیل عدم رعایت اصول بنیادین در رسیدگی ها، میتواند مسئولیت کیفری را برای قضات یا کارکنان غیر قضایی به دنبال داشته باشد، چرا که نقض این اصول در برخی از مصادیق آن با توجه به جلوه های تعاملات فاسد، به مفهوم تحقق رفتار مجرمانه ای قلمداد میشود که از سوی قانونگذار جرم انگاری و دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. در جدول ذیل مصادیق مجرمانه این تعاملات در نظام حقوقی ایران، ذکر گردیده است.

عدم ثبت و ارجاع پرونده	اطاله دادرسی و نقض مهلت معقول	نقض اصل بی طرفی	جعل و تحریف واقعیت	از بین بردن اسناد ومدارک	ارتشاء	اعمال نفوذ
مواد ۵۷۴، ۵۷۲، ۵۹۷ ق.م.ا (تعزیرات)	ماده ۵۹۷ ق.م.ا (تعزیرات)	ماده ۶۰۵ ق.م.ا (تعزیرات)	ماده ۵۳۴ ق.م.ا (تعزیرات)	ماده ۶۰۴ ق.م.ا (تعزیرات)	مواد ۵۸۸، ۵۸۹ ق.م.ا تعزیرات و ماده ۳ قانون تشدید	قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق

^۴ هرچند که ترسیم دقیق تصویری از چگونگی وقوع این تعاملات در سیستم های قضایی با هرگونه تحلیلی ساده رد شده و به نکات دقیق وظریف و مفهوم بنیادی قوی نیاز دارد. چراکه آنچه که در اتاق جلسات دادگاه دیده می شود، اطلاعات کمی درباره آنچه در پشت صحنه اتفاق افتاده است، ارائه می دهد. این فقدان اطلاعات هرگونه تجزیه و تحلیل سیستماتیک از فساد در دادگاه ها را بی حد و حصر چالش برانگیز می نماید. (Peerenboom, 2009: 197)

۱. روش تحقیق

در مقاله حاضر از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای اسناد و مدارک ازجمله دادنامه و پروندههای قضایی - انتظامی، تحلیل گفتمان برخی مقامهای عدالت کیفری، تحلیل محتوای گزارشها و اطلاعات جمع آوری شده از رهگذر خبرگزاریهای رسمی داخلی و خارجی درخصوص پروندههای فساد قضایی استفاده شده است. علاوه بر این موارد، مصاحبه ی عمیق با مقامات قضایی، وکلا و کارکنان اداری دادگستری و ضابطان دادگستری، از طریق حضور در مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت، مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و دادرای عمومی و انقلاب برخی نواحی شهر تهران و همچنین دادگاهها و دادرای عمومی و انقلاب دو شهر از دو استان شمال غربی کشور بهره گیری شده است.

مصاحبه‌های این پژوهش، از نوع عمیق و نیمه ساختارمند است و روند مصاحبه نیز تا مرحله اشباع نظری (۳۰ مصاحبه) ادامه یافته است. مصاحبه شوندگان شامل:

مقامات قضایی (شامل: دادرس، بازپرس، دادیار): ۱۰ نفر	ضابط دادگستری : ۵ نفر
وکلا ی دادگستری: ۱۰ نفر	کارمند اداری دادگستری : ۵ نفر

۲. تعریف فساد قضایی:

سازمان شفافیت بین الملل، فساد را به عنوان "سوء استفاده از قدرت واگذار شده برای منافع شخصی" تعریف می‌کند. منافع شخصی هم شامل سود مالی و مادی و هم شامل منافع غیر مادی مانند پیشرفت و ارتقاء سیاسی یا حرفه‌ای می‌شود. این تعریف ازفساد اداری به طور کلی در سایر مصادیق فساد نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت فساد قضایی به سوءاستفاده از قدرت قانونی توسط کارکنان قضایی برای منافع شخصی یا گروهی اشاره دارد (Gong,2016:34). در یک تعریف دیگر، فساد قضایی شامل موارد تاثیر نامناسب بر بی‌طرفی روند قضایی توسط هر مقامی در سیستم دادگستری می‌باشد. در نتیجه، فساد قضایی با اقدامات

اعضای دادگستری، به عنوان مثال قاضی و کارکنان اداری که با قصد کسب منفعت در پی نقض دستورات و رویه‌ها هستند، مشخص می‌شود. (Voigt&Gutmann,2015:157).^۵

۲-۱. تعاملات فاسد در نظام قضایی:

فساد قضایی در عمل اشکال مختلفی دارد که می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد: الف) سوء رفتارهای فیزیکی مانند بازداشت و اعمال زور غیرقانونی، ب) سوء رفتار بدون مبادله مستقیم از قبیل اختلاس یا سهل‌انگاری جدی در رسیدگی‌ها، و فریب اصحاب دعوا ج) نوع "ج" نشان دهنده رشوه خواری و اعمال نفوذ است که معمولاً

⁵ See: Brooks, G., 2019. Criminal justice and corruption: state power, privatization and legitimacy. Springer. Buscaglia, E., 2001. An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International Review of Law and Economics, 21(2), pp.233-249. Voigt, S. and Gutmann, J., 2015. On the wrong side of the law-Causes and consequences of a corrupt judiciary. International Review of Law and Economics, 43, pp.156-166. Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia. Benson, B.L., 1988. An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato J., 8, p.139. Gramckow H, Corruption Risks in the Criminal Justice Chain and Tools for Assessment (c3 U4 Issue 2015: 2, Chr Michelsen Institute 2015) Wagner, B.B. and Jacobs, L.G., 2008. Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations. U. Pa. J. Int'l L., 30, p.183. Brooks, G. (2016). Criminology of Corruption: Theoretical Approaches. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Brooks, G., Lewis, C., Walsh, D., & Kim, H. (2013). The Prevention of Corruption: Investigation, Enforcement and Governance. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Burkhardt, B. (2014). Private Prisons in Public Discourse: Measuring Moral Legitimacy. Sociological Focus, 47(4), 279-298. Jenkins, S. (2013). Miscarriages of Justice and the Discourse of Innocence: Perspectives from Appellants, Campaigners, Journalists, and Legal Practitioners. Journal of Law and Society, 40(3), 329-355. Lindgren, J. (1988). The Elusive Distinction Between Bribery and Extortion: From the Common Law to Hobbes. UCLA Law Review, 35, 815. Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500, 1(1), 1213-1253 Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12-21

و همچنین رجوع شود به: پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰)، ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن (سمیه عالی)، پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰)، سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: مهرکلام، طاهری احد، طباطبایی، محمدصادق (۱۳۹۹)، تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران؛ فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۲۵۸-۳۰۲، آبرشت، هانس یورگ، (۱۳۸۸) فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین المللی در زمینه ی پیشگیری و منع فساد: (مجید قورچی بیگی)، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸

تعاملات و توافقات فاسد در مراحل مختلف دادرسی جلوه‌های متفاوتی داشته و بسته به اینکه در این مراحل مقامات رسمی درگیر در پرونده، براساس قانون و یا رویه چه نوع موقعیت و اختیاراتی را دارا می‌باشد، دارای مصادیق مختلف می‌باشد. همچنین تنوع این جلوه‌ها براساس نوع پرونده و هدف اشخاص تعامل کننده نیز قابل تغییر است. براین اساس جلوه‌های این سوءرفتارها در مراحل مختلف دادرسی و براساس موقعیت و اختیارات مقامات رسمی، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۳. مرحله ارجاع پرونده:

قسمت اصلی توزیع پرونده‌ها بین قضات توسط رئیس حوزه قضایی و معاون وی انجام می‌شود. این امر از یک طرف به آنها این امکان را می‌دهد که از نظر تشکیلاتی بر قضات تأثیر بگذارند؛ بدین صورت که، سخت‌ترین یا ناخوشایندترین پرونده‌ها را بین قضاتی که به برخی از درخواست‌های رئیس دادگاه پاسخ نداده و یا به دلایل دیگر میانه‌ی خوبی با او ندارند، توزیع نمایند و با تاخیر او و یا ناتوانی او در حل آن، منجر به عتاب یا ارزیابی پایین آن قاضی در ارزشیابی‌های موجود شوند. از طرف دیگر ارجاع به یک مقام خاص برای رسیدگی به یک پرونده ممکن است؛ تحت تأثیر تعاملات فاسد برای رسیدن به یک نتیجه خاص از طرف مقام ارجاع دهنده، رخ دهد. اگر روند واضح، عینی و منظمی برای ارجاع پرونده وجود نداشته باشد، رییس یا معاون ارجاع می‌تواند یک مقامی را انتخاب کند که تمایل بیشتری به پیروی از دستورالعمل‌های او دارد یا احتمالاً او نیز بخشی از رشوه را دریافت کرده است.^۷ بدین معنی که با ارجاع به قضاتی که به "توصیه‌های" رئیس توجه می‌کنند یا دائماً در طرح‌های فساد شریک هستند، روند پرونده را از پیش تعیین نموده و به نتیجه مطلوب خود برسند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ وکیل دادگستری با سابقه ۸ سال در اینخصوص، تجربه خود را چنین بیان می‌نماید؛ «در پرونده تصادف که موکل بنده (فاقد گواهی نامه) راننده مقصر بود و در گزارش کارشناسی نیز نام ایشان درج شده بود با توجه به شناخت و ارتباطی که با شخص ارجاع کننده داشتم از ایشان خواستم تا به شعبه دادرسی مشخص ارجاع نماید پس از این امر از دادیار محترم خواهش نمودم مجدد پرونده را جهت اظهار نظر کارشناسی، به کارشناسی که ما می‌خواهیم ارجاع نماید که نهایتاً با ارجاع ایشان کارشناس نیز نام راننده را غیر از موکل من ثبت نمود».

^۷ بنا بر رویه موجود در نظام قضایی ایران آنچه مبرهن می باشد، قواعد خاصی جهت ارجاع پرونده ها موجود نبوده و این امر کاملاً سلیقه ای و در دست معاون ارجاع می باشد.

در حال حاضر بیشتر شکایت‌های مراجع کنندگان در سامانه ثنا ثبت و به کارتابل رییس حوزه قضایی ارسال می‌گردد.^۸ با توجه به اینکه ارجاع یک پرونده و شروع به رسیدگی به آن کاملاً در دستان رییس یک حوزه یا مجتمع می‌باشد، این مقام با صدور دستور ارجاع به شورا جهت مصالحه و یا ارجاع به ضابطان جهت تکمیل ادله برای شروع به تعقیب، عملاً می‌تواند از ثبت پرونده در دادسرا برای ماه‌ها جلوگیری نموده و از این طریق اشخاص پرونده را برای مدت نامعلوم بصورت بلا تکلیف رها سازد. مصاحبه شونده شماره ۹ قاضی ای با بیش از ۲۰ سال سابقه کار قضایی در این خصوص بیان نموده اند؛ «طبق آماری که هر سال منتشر می‌شود؛ صدها پرونده بدون ثبت در دادسراهای ما وجود دارد. این عدم ثبت در بسیاری از موارد ناشی از تعاملات با طرفین پرونده است. هرچند که در برخی موارد می‌تواند با هدف آمارگرایی و به جهت ممانعت از ورود پرونده به دادسرا، باشد.» علاوه بر شکایت شاکی خصوصی و ثبت آن در سامانه ثنا، به گفته مصاحبه شونده شماره ۵ بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب، بسیاری از اعلام جرم‌ها ممکن است؛ ناشی از گزارش اشخاص اعم از خصوصی یا عمومی و نهادهای مربوطه از جمله گزارش ضابطان قضایی باشد. لیکن با توجه به این امر که بیشتر این اعلام‌ها و گزارش‌ها صرفاً در برگ کاغذ ساده کتابت و بصورت دستی به مقام مذکور تحویل می‌گردد، لذا تعیین تکلیف این گزارش‌ها و ترتیب اثر دادن به آنها کاملاً در اختیار این مقام بوده و هیچ گونه نظارتی نمی‌توان بر آن داشت. بنابراین ممکن است، گزارشی که ضابط برای ایشان ارسال نموده بدون دستور رسیدگی و در نتیجه بدون ترتب اثری بر آن کنار گذاشته شود.

۲-۳. مرحله تعقیب و تحقیق در دادسرا:

این مرحله از زمان کشف جرم آغاز و با جمع آوری ادله وقع جرم و شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار متهم یا متهمین ادامه داشته و در نهایت با صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا قرار جلب به دادرسی به پایان می‌رسد. این مرحله از مراحل دادرسی اختیارات بی حد و حصر به مقامات رسیدگی کننده اعطا می‌نماید، که امکان نظارت بر آنها نیز با توجه به سازوکارهای موجود عملاً ناممکن می‌باشد. هر چند وجود اختیار برای مقامات قضایی به جهت حفظ استقلال آنها و همچنین بررسی شرایط یک پرونده و تناسب اقدامات با این شرایط

^۸ ماده ۳۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری: در حوزه هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رئیس حوزه قضایی است. رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رئیس شعبه ای است که دارای سابقه قضائی بیشتر است.

و همچنین پذیرش اصل فردی سازی قرارهای تامین کیفری و مجازات‌ها، اجتناب ناپذیر بوده و امری پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی مختلف در جهان می‌باشد، لیکن همین اختیارات نیز در صورت وجود بستر و نبود پاسخگویی متناسب، می‌تواند مورد سوءاستفاده این مقامات قرار گیرد. در مرحله تحقیقات مقدماتی، تصمیمی درباره تشکیل یک پرونده کیفری گرفته شده است و یک بازپرس یا یک دادستان عمومی، که یک پرونده را بررسی می‌کند، تمام زرادخانه‌های موجود در خصوص اقدامات فرایندکیفری، مربوط به تحقیق در مورد یک پرونده کیفری را در اختیار دارند. برای افرادی که در رابطه با آنها تحقیق در حال انجام است، هدف اصلی این است که تعقیب کیفری خاتمه یابد، یا در صورت عدم امکان آن، با سبک‌ترین اقدامات تأمینی و یا سبک‌ترین اتهام انتسابی مواجه شوند. اشخاص و مقامات تعامل‌کننده در این مرحله از مراحل کیفری بازپرس، دادستان، قاضی - افسران و ضابطان تحقیق هستند. در واقع پلیس، قضات و سایر مقامات شاغل در دادگستری کنترل می‌کنند که چه کسی بازداشت، متهم، محکوم و در نهایت مجازات شود.^۹ بنابراین آنها در موقعیتی هستند که حق فروش دستگیر نشدن، متهم یا محکوم نشدن و حق جلوگیری از مجازات شدید را دارند. اطراف دیگر تعامل در این مرحله از مراحل کیفری مظنون، فرد متهم و نمایندگان وی - اقوام، افراد نزدیک - و غیره خواهند بود. وکلا نیز می‌توانند نقش واسطه را در تحقق توافق نامه‌های فساد در این مرحله از دادرسی کیفری بازی کنند. همانطور که داده‌های ارائه شده در یک تحقیق نشان می‌دهد، روابط فاسد در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور فعالانه توسط ذینفعان متهم (۴۵.۳) آغاز می‌شود. با این حال، اکثر کارشناسان به این واقعیت توجه دارند که این اشخاص بیشتر از طریق واسطه‌ها عمل می‌کنند تا اینکه مستقل عمل کنند. در گزارشی که شورای اروپا از کشورهای عضو این شورا در سال ۲۰۰۹ با موضوع ریسک‌های فساد در فرایند کیفری و قوه قضاییه منتشر کرد، ۴۹٪ از کارشناسان در نظرسنجی به این واقعیت اشاره داشتند که آغاز کنندگان تعاملات فساد، نزدیکان و افراد نزدیک یک فرد مظنون یا یک متهم هستند و ۶۷.۹٪ از نظرسنجی‌ها گزارش داده‌اند که براساس تجربه

⁹. See: Anyshchenko, A. (2010). Transformation of the Ukrainian public prosecution according to the European democratic standards in comparison with the Baltic states (Master's thesis, University of Twente). Neil, M. 2014. "Former District Attorney Gets 13 Years in Federal Corruption Case over His Work as a Prosecutor." American Bar Association Journal, 11 February. <http://bit.ly/1xBhuEW>. Kutner, J. (2014). In South Africa: Corrupt Prosecutors an Ever-Larger Problem. Christian Science Monitor, 2. Sengupta, K. 1998. "Corruption Inquiry into Crown Prosecution Service. Independent, 12 October. <http://ind.pn/1yxFKt5>. Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. U4 Issue

آنها، آغازگر روابط فاسد یک وکیل می‌باشد. همچنین از نظر کارشناسان، از مقامات دخیل در تحقیقات مقدماتی، ۱۸.۳٪ دادستان عمومی، ۱۶/۱٪ ضابط قضایی و ۱۵/۱٪ بازپرس در تعاملات شرکت می‌کنند.^{۱۰}

۱-۲-۳. اهداف تعاملات فاسد در مرحله تعقیب و تحقیق در دادسرا:

تعاملات فاسد، در مرحله کشف و تعقیب و تحقیق از جرم می‌تواند جهت تحقق و نیل به موارد ذیل انجام شود:

(۱) جلوگیری از تشکیل پرونده کیفری در مورد یک شخص. (۲) اجتناب از صدور قرارهای تامین کیفری سنگین (قرار بازداشت موقت یا قرار وثیقه با میزان بالا) (۳) اجتناب از مسئولیت کیفری یک شخص خاص علارغم وجود ادله و یا قرائن اثبات جرم (۴) تحت فشار قرار دادن افراد خاص

الف. اتخاذ تصمیم در مورد امتناع از تشکیل پرونده کیفری با سو استفاده از اختیارات: این تصمیم می‌تواند از طریق عدم انجام راستی آزمایی در خصوص تأیید اطلاعات وقوع جرم، یا عدم ثبت نتایج حاصل از اطلاعات به دست آمده (مثل عدم ثبت مشخصات شخص مظنون و یا شهود و مطلعین) انجام پذیرد. در واقع طبق مواد ۴۴ و ۴۵ ق.آ.د.ک ضابطان به محض اطلاع از وقوع جرم (غیر مشهود) مراتب را به دادستان اعلام و تمام اقدامات لازم را (در جرایم مشهود) به منظور حفظ ادوات و آثار، ادله جرم و جلوگیری از فرار و ... و اخذ اطلاعات شاهد یا مطلع حاضر در صحنه جرم (به استثنای جرم مشهود در خصوص اطفال زیر ۱۵ سال و جرایم منافی عفت)، می‌بایست؛ انجام دهند و همچنین به استناد ماده ۳۵ مکلف به انجام دستورات دادستان یا مقام قضایی در پرونده تشکیل یافته می‌باشند که با توجه به عدم وجود نظارت و کنترلی بر این مرحله یک افسر تحقیق بررسی جامع و عینی اطلاعات مربوط به یک جرم را برعهده دارد، با تعامل با ذی نفع، می‌تواند این عمل را به صورت سطحی انجام دهد در نتیجه چنین اقداماتی، شخصی که مجاز به تصمیم‌گیری در مورد تشکیل پرونده کیفری است، به مطالبی دست می‌یابد که برای تصمیم‌گیری معقول در مورد تشکیل پرونده کیفری یک جرم کافی نیست. در این راستا مصاحبه شونده شماره یک وکیل دادگستری از تجربه خود در تعامل با ضابطان قضایی چنین می‌گوید: «تعامل با ضابط نسبت به هر مقام دیگری راحت‌تر می‌باشد؛ زیرا نظارتی بر رفتار و نحوه اقدامات آنها وجود ندارد. به عنوان مثال در پرونده ای شهود در دادسرا و کلانتری شهادت به وجود قمه در دست موکل بنده داده بودند که مقام رسیدگی کننده پرونده را جهت تحقیق محلی به ضابط ارجاع نمود و این ضابط با دریافت وجه از وکیل

¹⁰ See: Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary
<https://rm.coe.int/16806edf5.p76>

پرونده نسبت به تنظیم صورت جلسه مغایر با شهادت شهود اقدام و با اعلام متهم مبنی بر اینکه شهود با ایشان خصومت شخصی دارد، پرونده منتهی به صدور قرار منع تعقیب گردید.» همچنین مثال مصاحبه شونده شماره ۱۷ سرهنگ نیروی انتظامی قابل ذکر می باشد که چنین بیان داشته است: «برای کشف فروشندگان مواد مخدر ما مخابراتی داریم که یکبار یکی از این مخابراتها فروش مواد در محلی را به ما اخبار نمود و وقتی ما در محل حاضر شدیم، دیدیم؛ فروشنده همکار خود ماست! صرفاً موادها را از او اخذ و در جوی آب ریختیم و هیچ گزارشی هم در اینخصوص ثبت نکردیم».

هرچند که در ماده ۳۳ قانون آ.د.ک دادستان مکلف به نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان با انجام بازرسی حداقل هر دو ماه یکبار شده است لیکن به دلیل خاکستری و پنهان بودن این مرحله و عدم امکان اطلاع از حقیقت موضوع امر، اختیار گسترده ضابطان در عمل و فرهنگ حمایت ضمنی برای شکستن قوانین، فرهنگ رازداری در حرفه ی آنها، این نظارت صرفاً می تواند رعایت اصول و قواعد شکلی موجود در واحدهای مربوطه و در واقع بررسی موارد ثبت و ضبط شده را شامل شود (Brooks, 2019: 88).

یکی دیگر از راههای ایجاد شرایط برای امتناع از تشکیل پرونده کیفری، انجام عمدی تحقیقات اولیه با کیفیت پایین در مورد اشیاءای که به صورت بالقوه منجر به اثبات مادی جرم می شوند و یا تهیه گزارش غیرواقعی اولیه توسط ضابطان یا مقام تحقیق می باشد. جلوه های این تعاملات را می توان در عدم مراجعه به محل ارتکاب جرم یا تاخیر در حضور، عدم تحقیق از اشخاص مطلع و جایگزین کردن اشخاص ناآگاه به جای آنها، اطلاع به شخص یا اشخاص مورد نظر از قبل، در خصوص مراجعه به محل مشاهده نمود که می تواند منجر به از بین رفتن ادله اثبات جرم هرچند با انجام تحقیقات و حفظ ظاهر قانونی آن شود.^{۱۱} مصاحبه شونده شماره ۱۴ وکیل دادگستری در اینخصوص چنین بیان می دارد: «در پرونده ای که مربوط به ضرب و جرح عمدی بود و من به عنوان وکیل پرونده رابطه خوبی با بازپرس داشتم. از ایشان خواستم مراجعه به محل جهت تحقیق را از قبل به من اطلاع دهد، با اطلاع ایشان چند نفری را که حاضر بودند به نفع ما اظهاراتی بیان نمایند در محل جمع کردم و از بازپرس نیز خواستم سوالاتشان را فقط از این افراد بپرسد.» و یا طبق گفته مصاحبه شونده شماره ۱

¹¹. See: Sherman, L. W. (Ed.). (1974). Police corruption: A sociological perspective. New York: Anchor Press. Sherman, L. W. (1978). Scandal and reform: Controlling police corruption. Univ of California Press. New York (NY). Knapp Commission. (1972). The Knapp Commission report on police corruption. George Braziller

وکیل دادگستری «در تحقیق محلی در پرونده‌ای ضابط بدون رجوع به محل با حضور در دفتر همکار اینجانب صرفاً به نوشتن آنچه وکیل مربوطه از ایشان می‌خواست، اکتفا نمود» و یا موردی که مصاحبه شونده شماره ۲۲ سرهنگ، اظهار داشته است: «در پرونده‌های مواد نوع آن بسیار مهم است، همکار ما که بعدها استعفا داد در موردی مواد مخدر کشف نموده بود. لیکن پس از تعامل با شخص از او خواسته بود به همان مقدار شیرین بیان پیدا و به او جهت ضبط در پرونده تحویل دهد، پس از این امر نیز دادگاه با توجه به تشخیص کارشناس مبنی بر اینکه مواد یافته شده شیرین بیان بوده است او را تبرئه کرد.»

علاوه بر ضابطان دادگستری، دادستان عمومی، در مقایسه با سایر مقامات دادسرا (بازپرس، دادیار)، شرایط مساعدتری برای سو استفاده از اختیارات و ورود به توافقات فاسد در این مرحله را دارد. در ق.آ.د.ک شرط شروع تعقیب این است که دادستان اطلاعات کافی که نشانگر وقوع جرم است را تایید نماید. مواد ۶۴، ۶۵ و ۶۷ ق.آ.د.ک جهات قانونی شروع به تعقیب را ذیل عنوان "فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان" تبیین نموده و در آن به ذکر مواردی همچون عدم وجود قرائن و امارات مبتنی بر نادرستی اظهارکننده یا آنکه وجود دلیلی بر صحت ادعا و یا امنیتی بودن جرم، همراه بودن گزارش وقوع جرم با قرائن کافی، دلالت بر وقوع امر مهم، اشاره شده است که تشخیص موارد فوق بر عهده دادستان بوده و این مقام اختیار تام در خصوص تطبیق مورد را دارد. در واقع از آنجایی که قانون آیین دادرسی کیفری به وضوح مشخص نکرده است که چه علائم و آثاری از جرم باید برای تشکیل معقول یک پرونده کیفری احراز شود، مقام تعقیب با استفاده از اختیارات خود در این مورد می‌تواند به طور رسمی موارد را تأیید یا رد کند. بنابراین، ایده و استدلال او می‌تواند ذهنی باشد. که این امر می‌تواند مخصوصاً در خصوص گزارش‌ها و اعلام جرم‌های دستی ارائه شده بستری از اختیارات را به این مقامات در شروع به تعقیب ارائه دهد.^{۱۲} در این راستا مصاحبه شونده شماره ۱۰ وکیل دادگستری بیان نمودند: «موکل من به همراه چندین نفر با مشروبات الکلی توسط ضابط دستگیر و به کلانتری تحویل داده شده بود که با مراجعه خانواده ایشان و درخواست مساعدت ایشان از دادستان (با توجه به وجود رابطه آشنایی)، این مقام محترم دستور تنظیم صورت جلسه جدید را صادر و از ضابط نیز خواسته بود، نام شخص مربوطه را از

^{۱۲} . تحلیل تحقیقات و رویه قضایی که در رسانه‌های جمعی یافت می‌شود، نشان می‌دهد که حجم قابل توجهی از پرونده‌های کیفری که در رابطه با بازپرسان به جرم ارتشاء تشکیل شده است، دقیقاً با اتخاذ تصمیم به امتناع از تشکیل پرونده مرتبط بوده است.

See: Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary
<https://rm.coe.int/16806edf5.p69>

اسامی متهمین حذف نماید که با تنظیم صورت جلسه جدید و فقدان نام ایشان، تعقیب علیه این شخص در بدو امر منتفی و اساساً شکل نگرفت.» همچنین در اینخصوص تجربه مصاحبه شونده شماره ۱۸ سرهنگ نیروی انتظامی نیز قابل ذکر می باشد بدین مضمون که « ضابط قضایی بدون دستور تحقیق از طرف مقام قضایی در خصوص یک شخص، اختیار تحقیق را ندارد...در پرونده ای که در آن ۵ نفر متهم وجود داشت و یکی از این اشخاص از مقامات اجرایی شهر بود، دادستان در دستور تحقیق به ضابطان صرفاً نام ۴ نفر را ذکر و اسمی از این مقام نیاورده بود».

ب. اجتناب از صدور قرارهای تامین کیفری سنگین: انواع قرارهای تامین و نظارت قضایی در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک ذکر و شرایط مورد نیاز هریک، قابل اعتراض بودن یا نبودن آنها، نحوه اعتراض به آن و ایضاً نحوه جبران خسارت از قرارهای اشتباه در مواد بعد آن لغایت ۲۶۱ تبیین گردیده است. در تمام این موارد تشخیص لزوم صدور قرار و تناسب آن به درستی در اختیار مقام رسیدگی کننده قرار گرفته است. هرچند که اخذ تامین نامتناسب به موجب تبصره ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک می تواند منجر به محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا گردد. لیکن تناسب واژه نسبی است که در غالب موارد تشخیص آن تماماً بر عهده مقام رسیدگی کننده می باشد. دادستان نیز با در نظر گرفتن شرایط یک پرونده، می تواند با موقعیت بازپرس در صدور قرارهای تامین (عدم احراز ملاتت کفیل ماده ۲۲۱، مخالفت با صدور قرار بازداشت ماده ۲۴۰، مخالفت با ابقاء قرار کفالت یا وثیقه منتهی به بازداشت، فک تخفیف، ابقاء قرار بازداشت ماده ۲۴۲) موافق یا مخالف باشد. مصاحبه شونده شماره ۸ دادرس دادگاه کیفری دو اظهار داشته اند: «در زمانی که من بازپرس بودم، متهم بنده، مافوق برادر دادستان بود، ایشان از من خواستن قرار وجه التزام با مبلغ پایین صادر نمایم در حالی که جرم مورد نظر حتماً باید وثیقه برابر با مال مورد ادعایی که بیشتر از مبلغ وجه التزام بود، صادر می شد، در هر حال قرار وجه التزام با مبلغ تعیین شده، صادر شد.» و یا طبق گفته مصاحبه شونده شماره ۱۱ وکیل دادگستری «در پرونده ای با عنوان اولیه تجاوز به عنف و آدم ربایی بازپرس پرونده قرار بازداشت صادر نمود که با هماهنگی رییس حوزه قضایی به عنوان واسطه (تماس تلفنی برقرار و از بازپرس خواستند که هوای متهم را داشته باشند) وکیل به شعبه مراجعه و با پیشنهاد مبلغ و ارائه برخی اظهارات جهت توجیه تالی فاسد قرار بازداشت، آن را تبدیل به قرار وثیقه نمودند.» در مواردی که برای یک شخص متهم قرار تامین از نوع بازداشت اعمال شود، امکان ملاقات با یکدیگر، دریافت بسته برای وی و افراد نزدیکش برای تأمین شرایط مناسب بازداشت و وضعیت روانی شخص متهم بسیار حیاتی است. در این خصوص تصمیمات بازپرس در مورد پذیرش درخواست اقوام برای قرار ملاقات، پذیرش بسته ی آنها ها به

موارد تبادل فساد تبدیل می‌شوند که برای توجیه آن مصاحبه شونده شماره ۶ دادیار دادرسی عمومی و انقلاب معتقد است؛ این اقدامات یک نقض ناچیز روند کیفری بوده که خصوصا در زمان عدم وجود شاکی خصوصی صدمه اساسی به دادرسی عادلانه وارد نمی‌کند.

ج. اجتناب از مسئولیت کیفری یک شخص خاص علارغم وجود ادله و قرائن اثبات جرم: طبق قانون آیین دادرسی کیفری دادستان حق نظارت بر تحقیقات مقدماتی به موجب ماده ۱۳۷۴ و ۷۵، حق دادن دستور اجرای برخی تحقیقات و اقدامات به بازپرس بدون ارجاع تحقیق در یک پرونده و تکلیف بازپرس به انجام دستور مذکور طبق ماده ۷۶، اعطای تکالیف مقرر در خصوص حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم در مواد ۷۷ و ۷۸ به دادستان و همچنین اختیار دادستان در صدور قرار بایگانی پرونده و قرار تعلیق تعقیب به موجب مواد ۸۰ لغایت ۸۲، در صورت عدم وجود نظارت کارمد و نظارتی که بدون تضعیف استقلال دادستان، پاسخگویی او را منجر شود، می‌توانند علارغم لزوم وجود چنین اختیاری، بستر مناسبی برای دخالت این مقام در روند رسیدگی ایجاد و تحقیقات را از مسیر خود منحرف و مانع صدور قرار جلب به دادرسی متهم در واقعیت امر را فراهم نماید. مصاحبه شونده شماره ۳ وکیل دادگستری از تجربه خود در این مورد می‌گوید: «در پرونده‌ای که موکل اینجانب با گزارش ضابطان دادگستری و کشف ۵ کیلوگرم هروئین بازداشت و به دادسرا معرفی شده بود، بازپرس قرار جلب به دادرسی را به دلیل کشف مال در ید ایشان و همچنین گزارش ضابطان صادر و به دادستان جهت اظهارنظر ارجاع نموده بود، دادستان (که توافقاتی با طرف پرونده داشت) در مقام رفع نقص دستور انجام تحقیقات بیشتر از محل زندگی شخص در خصوص شخصیت اجتماعی و اخلاقی ایشان صادر نمود که با توجه به تحقیقات ضابطان از محل سکونت شخص و اظهار مطلعین بر حسن شهرت ایشان، در نهایت پرونده به دلیل اصرار دادستان و به استناد تحقیق محلی با قرار منع تعقیب مختومه گردید».

علاوه بر دادستان، دیگر مقامات تحقیق و تعقیب نیز در مرحله دادسرا با توجه به اختیارات خود می‌توانند در یک تعامل فاسد شرکت داشته باشند. تصمیم‌گیری در خصوص وقوع یا عدم وقوع جرم و شرایط اثبات آن اموری است که مربوط به اقتناع دادستان یا بازپرس بوده و این مقام می‌تواند حتی به رغم وجود ادله

^{۱۲} هرچند در ماده ۷۴ حق توقف جریان تحقیقات به دادستان داده نشده است لیکن این امر در خصوص تحقیقات انجام یافته توسط بازپرس بوده و در صورتی که تحقیق به استناد ماده ۹۲ ق.آ.د.ک توسط دادیار انجام گیرد، دادستان حتی می‌تواند دستور توقف تحقیقات توسط دادیار را نیز صادر نماید.

و یا گزارش‌هایی پیرامون اتهام با استفاده از اختیارات خود آنها را تغییر دهد یا اسناد را از بین ببرد.^{۱۴} در نظام حقوقی کشور ما وجود برخی از ادله از جمله شهود و یا اقرار شخص کافی برای اثبات جرم می‌باشد؛ لیکن در عمل ممکن است؛ مقام رسیدگی کننده با عدم ثبت اقرار شخص در پرونده و یا عدم پذیرش آن به دلیل تحت شکنجه یا اجبار بودن آن و یا طرح سوالات منحرف کننده از شهود و ایجاد تعارض در شهادت آنها، منجر به رد قانونی آنها شود. مثال موردی که در آن هم اقرار و شهادت شهود بر ارتکاب و وقوع جرم وجود داشته ولی تعامل مسیر و سمت و سوی آن را تغییر داده است، موردی است که مصاحبه شونده شماره ۱۲ به عنوان وکیل پرونده آن را بیان نمود: «در پرونده ای که در آن علیه ۱۳ نفر شکایتی مبنی بر تصرف عدوانی شده بود و شاهدان متعددی بر تصرف مشاعی همه ۱۳ نفر بر ملک مربوطه شهادت داده و بودند، بازپرس طبق مراوداتی که با او داشتیم چنین مقرر نمود که دو نفر از این متهمان به تصرف عدوانی خویش اقرار کنند و مابقی انکار، تا برای دو نفر اقرار کننده قرار جلب به دادرسی و برای سایرین قرار منع تعقیب صادر شود که متعاقب آن شاکی به قرار منع تعقیب اعتراض اما با توجه به اینکه بازپرس با رییس دادگاه کیفری دو هماهنگ بود، قرار صادره نیز تأیید گردید. در دادگاه نیز به اتهام دو نفر رسیدگی و ایشان محکوم شدند اما در مرحله اجرا بدون رعایت ضوابط مربوط به نهادهای آزادی مشروط تعلیق یا تعویق و سایر موارد قانونی، شخص پنجشنبه به زندان معرفی و شنبه آزاد گردید.» همچنین می‌توان پرونده‌ای را مثال زد که در آن شخصی به جعل امضا و تحصیل مال از طرق غیر مشروع متهم شده بود و کارشناس رسمی دادگستری نیز جعلی بودن امضا را تأیید و همچنین فایل‌های صوتی و اسناد دیگر نیز اتهام انتسابی را ثابت می‌نمود، لیکن بازپرس پرونده با اعمال نفوذ اشخاص صاحب قدرت و با تهیه گزارش ساختگی قرار منع تعقیب را صادر نمود.^{۱۵}

^{۱۴} محکومیت‌های نادرست در ایالات متحده نشان داده است که پنهان کردن شواهد همچنین تاخیرهای غیر قانونی در خصوص تحقیقات رایج‌ترین سورتارها در دادسرا است.

See: Balko, R. 2013. "The Untouchables: America's Misbehaving Prosecutors, and the System that Protects Them." Huffington Post, 1 August. <http://huff.to/1mapV24>.

به همین ترتیب، مطالعات در نیجریه و ونزوئلا نشان داده است که فساد اداری معمولاً با دستکاری شواهد، اغلب در هماهنگی با افسر پلیس تحقیق انجام می‌شود.

See: Buscaglia, E., and S. G. Ruiz. 2002. "How to Design a National Strategy against Organized Crime and Public Sector Corruption in the Framework of the United Nations' Palermo Convention." In The Fight against Organized Crime. New York: UNDP Press.

^{۱۵}. <https://farsnews.ir/Sports/1506504839000353959> (۲۰۲۵.۱.۲۶)

عدم ثبت تمام اطلاعات به دست آمده در پرونده کتبی، استعلام های غیر ضروری و منتظر ماندن جهت وصول پاسخ، تاخیر در ارسال اطلاعات، نقض اصل کامل بودن و عینیت داشتن تحقیقات مقدماتی، عدم ثبت واقعیتهای فردی که در جریان تحقیقات از جرم کشف شده اند، انجام عمدی تحقیق با کیفیت پایین یا نقض شرایط قانون آئین دادرسی کیفری در هنگام اجرا یا ثبت برخی از فعالیت های تحقیق^{۱۶}، عدم انجام یا انجام به موقع برخی از فعالیت های تحقیق، تخریب عمدی یا آسیب رساندن ادله اثبات مادی در پرونده^{۱۷}، و یا همکاری کارشناس متخصص در امور تخصصی ارجاع شده به آن جهت از بین بردن رابطه علی و معلولی، همگی ناشی از اختیارات بازپرس یا یک مقام تعقیب و تعاملات فاسد او با اشخاص بوده و می تواند حقایق مربوط به پرونده و موقعیت شخص را تغییر و در نتیجه او را از مسئولیت کیفری و جلب به دادرسی رها سازد (Danileț and Vasilescu, 2010:24). در خصوص تعامل با کارشناسان پرونده مثالی که مصاحبه شونده شماره ۱۳ وکیل دادگستری از تجربه خود می گوید؛ قابل ذکر است: «در پرونده که موضوع آن جعل در اسناد ملکی یک ساختمان چند طبقه بود، کارشناس تک نفره جعلی بودن اسناد را تایید کرده بود که ما به آن اعتراض و از مقام قضایی درخواست ارجاع به هیات کارشناسی که خود اعضا آن را مشخص نموده بودیم، کردیم. پس از ارجاع امر به هیات سه نفره و با توجه به شناختی که از اعضای هیات داشتم پیشنهاد جبران لطف در صورت اظهار نظر به نفع ما را دادم که ایشان نیز پرداخت ۳۰۰ میلیون را به عنوان لطف از من درخواست کردند. مبلغ را پرداخت کردیم و آنها هم نظریه را طبق خواسته ما کتابت نمودند.»

ج. تحت فشار قرار دادن افراد خاص: تعاملات فاسد می‌تواند جهت تحت فشار قرار دادن اشخاص با ایجاد دعوای واهی و با هدف تشکیل پرونده برای شخص ثالث جهت اعمال برخی محدودیت‌ها نسبت به شخص در یک مدت مشخص صورت پذیرد. این نوع تعاملات به دو شکل می‌تواند انجام پذیرد؛ تشکیل پرونده کیفری یا ایجاد تصور تشکیل پرونده توسط اشخاص مجاز به منظور دریافت وجه فساد. (مثلا مقام تعقیب از یک فرد به جهت عدم تعقیب و دستگیری او به استناد مدارک بی‌اساس اخاذی می‌نماید) تشکیل پرونده کیفری برای پرداخت فساد «به دستور» شخص ثالثی که در یک فرآیند کیفری شرکت نداشته است. این موارد بیشتر در امور اقتصادی و

۱۶ عدم دعوت از شهود و یا کارشناس متخصص (مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ ق.آ.دک) عدم دستور به ثبت تمام آثار و نشانه های مشهود در صحنه جرم (۱۲۹)

۱۷. همچون قرار دادن دیسکت و یا CD در شرایطی همچون دمای بالا و یا رطوبت که منجر به آسیب آن گردد، یا کم کردن از مقدار و وزن داروها و مواد موضوع جرم.

شرکتهای بازرگانی جهت عقب راندن و کنار زدن رقبا اتفاق می افتد.^{۱۸} تشکیل غیرقانونی پرونده کیفری در رابطه با یک شخص خاص می تواند به منظور اعمال فشار معین بر این شخص صورت پذیرد. تشکیل پرونده کیفری طیف وسیعی از امکانات را برای تحت فشار قرار دادن یک شخص و بر روی فعالیت اقتصادی و اجتماعی او با استفاده از ابزارهای اجبار کیفری در ق.آ.د.ک به ویژه، در محدوده تحقیقات کیفری فراهم می سازد: اعمال بازداشت بر اموال، توقیف حساب های بانکی، بازداشت شخص، محدود کردن امکان تردد آزادانه یک فرد، به الاخص ممنوعیت خروج از کشور و اعمال سایر ابزارهای اجبار قضایی که شرایطی را برای فلج کردن فعالیت اقتصادی و اعمال فشار روانی بر شخص ایجاد می کند. مصاحبه شونده شماره ۸ دادرس دادگاه کیفری دو در این ارتباط از تجربه خود چنین می گوید: «برای مدیر عامل یک شرکت فعالیت شرکت و حق امضاء بسیار مهم است. اگر به واسطه قرار دادیار یا بازپرس این شخص موقتاً از حق امضا اسناد یا برخی فعالیت ها محروم گردد، می تواند اثر مالی میلیاردی به شرکت وارد کند. در پرونده ای به صرف گزارش شخصی از فعالیت شرکت مواد غذایی و تاثیر آن در مسمومیت غذایی ایشان هرچند بدون دلیل و مدرک، دادستان از بازپرس مربوطه، صدور دستور محرومیت از حق امضاء برای شخص مدیرعامل را درخواست نمود. مدیر عامل برای ممانعت از صدور این دستور دعوی ای را که در پرونده دیگری با شخص گزارش دهنده داشت از دادگاه مسترد نمود و بدین ترتیب شاکی این پرونده نیز از شکایت خود صرف نظر کرد و نتیجتاً دادستان محترم نیز به یکباره از موضع خویش عدول کرد» و یا موردی که مصاحبه شونده شماره ۱۵ وکیل دادگستری، از پرونده خود مثال می زند: «در پرونده ای که شخص دعوی مطالبه وجه از بابت چکی را خواسته بود طرف دیگر او با تبانی بازپرس، دعوی کیفری علیه شخص با عنوان رباخواری مطرح نمود که همین امر منجر گردید، این شخص به دلیل ترس از آبرو، دعوی وجه چک را مسترد نماید تا شخص نیز پرونده رباخواری را ببندد.»

در این نوع از توافقات فاسد مقامات برخلاف سایر رویه ها، با هدف معکوس عمل می کنند - نه برای حل مسئله اجتناب از مسئولیت کیفری، بلکه برعکس، حل مسئله در مورد تشکیل پرونده کیفری یا ایجاد

^{۱۸}. در یک پروژه مبارزه با فساد در اوکراین که در سال ۲۰۰۹ صورت پذیرفت، مشخص گردید که؛ شاخص مشخصی از وجود چنین اقداماتی، اطلاعات آماری مربوط به فعالیت دادرها است که در سال ۱۳۸۷ بیش از ۴۰۴ هزار تصمیم در مورد تشکیل پرونده های کیفری لغو شده است. این حقایق گواه آن است که این حجم از پرونده ها بدون دلیل مناسب یا کافی تشکیل شده است، اما شهادت نمی دهد که همه آنها دقیقاً در نتیجه توافقات فاسد تشکیل شده است.

تصویری از امکان تشکیل پرونده علیه شخص. تشکیل پرونده برای تحت فشار قراردادادن اشخاص می تواند منجر به بازداشت خود آنها و یا اموال و توقف فعالیت های آنها شود. همچنین مقام تحقیق می تواند او را مجبور به ارائه برخی اطلاعات از جمله اطلاعات تجاری خود کند و یا در ازای دادن مشاوره برای رهایی از قرارهای تامین و توقیف اموال و یا مجازات، آنها را مجبور به شرکت در توافقات نماید.

۳-۳. مرحله دادرسی (دادگاه بدوی_ تجدیدنظر) :

۳-۳-۱. دادگاه بدوی: به استثنای مواردی که مستقیماً در دادگاه مطرح شده^{۱۹} و دادگاه انجام تحقیقات مقدماتی را نیز بر عهده دارد به طور کلی در دادرسی کیفری، یک پرونده پس از صدور قرار جلب به دادرسی در دادسرا و یا کیفرخواست شفاهی دادستان،^{۲۰} در دادگاه مطرح^{۲۱} و در این مرحله از دادرسی نیز بصورت دو مرحله ای مورد رسیدگی قرار گرفته و شامل رسیدگی در دادگاه بدوی و پس از آن در دادگاه تجدیدنظر می باشد.^{۲۲}

^{۱۹}. تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک (تحقیقات مقدماتی تمام جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال)

^{۲۰}. ماده ۸۶ ق.آ.د.ک: در غیر جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تاخیر تشکیل جلسه می دهد و به متهم تفهیم می کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورتمجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رای صادر می کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می دهد. اخذ تامین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید.

^{۲۱}. ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک: دادگاه های کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می کنند: الف - کیفرخواست دادستان ب - قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه پ - ادعای شفاهی دادستان در دادگاه.

^{۲۲}. آرای دادگاه های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضائی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است: الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد. ب- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد. تبصره ۱- در مورد مجازات های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدید نظر، همان مجازات قانونی اولیه است. تبصره ۲- آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، براءت، یا قرارهای منع و موقوفی

هنگامی که شهروندان به دادگاه مراجعه می‌کنند، صرف نظر از موقعیت خود در دادگاه (شاکی یا خوانده در دعاوی مدنی، قربانی یا متهم در محاکمات کیفری)، به دنبال احکام مساعد هستند. تعامل با قضات رسیدگی کننده، زمانی است؛ که معمولاً اشخاص موفق به کسب نتیجه مورد نظر خود در مرحله دادرسی نشده اند و یا با توجه به نقش کلیدی قضات انجام توافق و پرداخت هزینه را به این مرحله موکول نموده‌اند. در این میان قاضی کسی است که به طور یک جانبه در مورد پرونده و دادخواست و همچنین لغو یا تأیید کیفرخواست و شرایط رسیدگی به شکایت تصمیم می‌گیرد. این قاضی است که بین دادستان، شاکی و متهم تعادل برقرار می‌کند و عملاً در موفقیت یا عدم موفقیت تعقیب نقش دارد. تمام ادله و شواهد برای اقناع او ارائه می‌شود. اوست که تصمیم می‌گیرد کدام یک از دلایل قانع کننده تر است و آیا دادستان بار اثبات را طبق قانون بر عهده گرفته است یا خیر.^{۲۳} در واقع قضات شخصیت‌های اصلی دادرسی هستند؛ زیرا قدرت محکومیت یا تبرئه در نهایت با آنها است. در کنار این امر با توجه به اختیار و استقلال قاضی در تصمیم‌گیری و همچنین وجود مصونیت و حمایت‌های قانونی از او منجر می‌شود که قاضی هنگام تصمیم‌گیری در مورد ورود به توافق، هزینه‌ها و مزایای تبانی با متهم یا دادستان را سنجیده و قبول توافق را ترجیح دهد. در واقع وجود شرایط مطلوب - مفاد قانون کیفری که به وی امکان اختیارات گسترده‌ای برای انتخاب نوع و ماهیت مجازات ارتکاب جرم می‌دهد و از طرف دیگر عدم نظارت صحیح بر قاضی - او را به سوی انجام تعاملات فاسد سوق می‌دهد.

۲-۳-۱. اهداف تعاملات فاسد در دادگاه بدوی: در مرحله دادرسی در دادگاه، هدف از انجام تعاملات فاسد را

می‌تواند به شرح ذیل تقسیم بندی نمود؛

تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست و اخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رای راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

^{۲۳}. افراد می‌توانند از اقدامات بازپرس و تخلفات آنها شکایت نمایند؛ لیکن این خود باب توافقات دیگری را برای قضات اداری باز می‌کند تا با بازپرس خاطی در توافق فساد قرار بگیرند. امکان تجدیدنظرخواهی از تصمیمات بازپرس یا دادستان برای تشکیل پرونده کیفری از یک سو به شهروندان این امکان را می‌دهد که از حقوق خود در دادگاه به نحو احسن دفاع کنند و از سوی دیگر به ابزاری مؤثر برای مقابله با تحقیقات تبدیل شده است و امکان سوء استفاده از فساد انجام یافته را از سوی قضات انتظامی ایجاد کرده است. در اینخصوص مصاحبه شونده شماره یک وکیل دادگستری چنین بیان نمودند: در مورد فساد اخلاقی یک بازپرس پرونده به دادرسی انتظامی قضات ارجاع شد اما بنابر گفته خود بازپرس و با اعطای پنج سکه تمام، قرار منع تعقیب صادر گردید.

۱. عدم تحمیل مسئولیت کیفری، صدور حکم برائت و ختم پرونده کیفری.

۲. تغییر قرار تامین کیفری.

۳. تخفیف (بهبود) وضعیت متهم نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی.

۴. صدور حکم به مجازات مساعدتر به حال شخص با تعیین شرایط مطلوب.

الف. عدم تحمیل مسئولیت کیفری به شخص یا ختم پرونده کیفری: به استناد ماده ۲۸۰ قانون مذکور دادگاه می‌تواند عنوان اتهامی ذکر شده در کیفرخواست را تغییر دهد و تکلیفی به تبعیت از آن ندارد. طبق مواد ۳۴۰ و ۳۴۱ پس از اینکه پرونده در دادگاه مطرح گردید؛ دادگاه تحقیقات خود را انجام و می‌تواند نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت، قرار منع یا موقوفی تعقیب اقدام و یا در صورتی که تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی را کشف نماید که مستلزم انجام تحقیق باشد، با ذکر دقیق موارد تحقیق؛ تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات نماید. در اینخصوص مصاحبه شونده شماره ۱۳ وکیل دادگستری چنین بیان داشته‌اند: «خود من پرونده‌ای داشتم با موضوع نزاع دسته جمعی در دادرسی که با شهادت شهود منتهی به قرار جلب به دادرسی شده بود. دادرسی پرونده که با متهم تعامل داشت به ایشان چنین مشاوره داد که شهود معارض معرفی و ادعا نماید در دادرسی توجهی به آن نشده است که با انجام این امر، پرونده جهت تکمیل تحقیقات با تاکید بر اخذ اظهارات شهود اعاده گردید و شهود به نوعی شهادت دادند که اساس شهادت شهود شاکی را از بین برد که در نتیجه آن به دلیل وجود شهود معارض مبنی بر اینکه شخص در محل نزاع نبوده است، حکم بر برائت صادر گردید» بنابراین دادگاه نیز دارای تامة اختیارات برای بررسی یک پرونده بوده و در واقع می‌تواند تحقیقات انجام یافته در دادرسی را ناقص تلقی و یا حتی نسبت به آن تردید نماید و طبق اختیاری که ماده ۳۶۲ ق.آ.د.ک به آن اعطا نموده هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را انجام دهد. استرداد پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادرسی و انجام تحقیقات تکمیلی می‌تواند به خاتمه پرونده منجر شده و یا در مواقعی به دلیل این رفت و آمدهای بسیار شاکی را از پرونده و پیگیری آن منصرف نماید. چنین اقداماتی مربوط به مهارت‌های شخصی مقام رسیدگی کننده است که با قانون دادرسی کیفری، نظارت بر فعالیت او و غیره مرتبط نیست. در واقع، مقام رسیدگی کننده می‌تواند انجام بازجویی‌ها، بررسی‌ها، توقیف‌ها، تفتیش‌ها و غیره را برای مدت نامحدودی کنار بگذارد و در نتیجه شرایطی را برای متهمان ایجاد کند تا مدارک را حذف کنند یا بر شاهدان و قربانیان تأثیر بگذارند. بنابر این اختیارات و با سواستفاده از آنها، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند در توصیف

و تطبیق عمل ارتکاب یافته با شرایط قانونی تعریف شده برای آن و در نتیجه با عدم اعتقاد به وقوع جرم و یا تردید و شبهه در آن، شخص را بری از مسئولیت تشخیص دهد. قاضی رسیدگی کننده حتی می تواند اقرار صورت پذیرفته در دادسرا را نیز به استناد ماده ۳۶۰ ق.آ.د.ک با تردید در صحت و اختیاری بودن آن، رد نماید. مثل پرونده ای که مصاحبه شونده شماره ۱۱ وکیل دادگستری مثال می زند: «در پرونده ای که موکل بنده اقرار نموده بود و حتی اشیا جرم هم دست او کشف و ضبط شده بود، دادگاه با سفارش آشنای ایشان که از مقامات بانفوذ بود به او گفت، بگوید ضابطان او را مجبور به اقرار نمودند و وسایل را هم کسی برای فروش نزد او امانت گذاشته بود او چنین کرد و حکم برائت برای او صادر شد.» همسو با این در پرونده ای نیز که شخصی متهم به اخلال در نظام اقتصادی بود و در پرونده علاوه بر وجود اسناد مالی اثبات کننده اتهام، خود شخص هم اقرار به انجام آن نموده بود با دریافت رشوه میلیاردی و اعمال نفوذ این شخص حکم برائت را از دادگاه دریافت نمود.^{۲۴} همچنین با توجه به تکلیف دادگاه در درج عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل خبره،^{۲۵} در صورت مجلس او می تواند با سواستفاده از مقام خود بخشی از اظهارات را که به ضرر شخص متعامل کننده با اوست را در صورت مجلس قید نماید و از این طریق شخص را از تحمل مسئولیت کیفری برهاند. مصاحبه شونده شماره ۱۴ وکیل دادگستری اظهار می دارد: «در پرونده ای که ما داشتیم یادم می آید تنها دلیل پرونده شهادت شهود بود قاضی دادگاه قرار استماع شهادت شهود صادر نمود و در جلسه استماع شهادت شهود علاوه بر اظهارات شهود علیه موکل اینجانب قاضی دادگاه کیفری در کتابت گفته های ایشان برخی از اظهارات را که علیه ما بود، نوشتند و یا افعال گفته شده را برعکس در صورت جلسه درج نمودند که در پایان جلسه نیز نه شاهد و نه وکیل طرف مقابل به دلیل اعتمادی که به مقام قضایی وجود دارد، برگ صورت جلسه را نخوانده امضا کردند که قاضی هم به استناد آن رای برائت موکل بنده را صادر نمود». و یا همچون موردی که مصاحبه شونده شماره ۱۸ سرهنگ نیروی انتظامی مثال می زند «در پرونده ای ما ۷ کیلوگرم مواد مخدر کشف کرده و متهم را به دادسرا و مقام قضایی تحویل نموده بودیم، پرونده او نیز با قرار جلب به دادرسی به دادگاه ارجاع گردیده بود در تمام اوراق

^{۲۴} <https://www.asriran.com/fa/news/732084> (۱۴۰۳/۱۰/۱۰)

^{۲۵} ماده ۳۶۱ ق.آ.د.ک: دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده وی و عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل خبره را در صورت مجلس درج کند.

پرونده ۷ کیلو گرم درج شده بوداما در دادنامه قاضی رسیدگی کننده با دریافت ۳۰ میلیارد تومان ۷ "کیلو" گرم را ۷ "گرم" درج و مجازات مربوط به ۷ گرم را صادر نموده بود»

ب. تغییر قرار تامین کیفری: دادگاه مقید به قرار تامین کیفری صادره در دادرسی نبوده و به استناد ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک می تواند با اخذ تامین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و به اطراف دعوی ابلاغ نماید. بنابراین دادگاه می تواند قرار صادره در دادرسی را تغییر و مساعدتر به حال شخص متعامل صادر نماید. مثلاً تغییر قرار بازداشت صادره به قرار وثیقه یا کاهش مقدار قرار وثیقه صادره جهت ایجاد شرایط مساعد برای شخص. در اینخصوص پاسخگویی نیز برای قاضی تغییر دهنده بجز شرط وجود تناسب به استناد ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک و ضمانت اجرای موجود در تبصره ذیل آن که به طرق مختلف قابل توجیه می باشد و اساساً نظارتی بر آن در بطن امر وجود ندارد، متصور نمی باشد. البته نقش دادگاه در خصوص قرارهای تامین کیفری در مواردی هم که به دلیل اعتراض به قرار صادره در دادرسی از طرف ذی نفع، مطرح شده است، برجسته می باشد. مصاحبه شونده شماره ۱۵ وکیل دادگستری در خصوص تغییر قرار تامین صادره در دادگاه چنین اظهار نمودند: «تغییر یا تخفیف قرار تامین کیفری بیشتر در مقام رسیدگی کننده به اعتراض به قرار تامین کیفری بوده و شخص با تعامل با دادرسی رسیدگی کننده موفق به تغییر قرار تامین می گردد. در پرونده ای با عنوان اتهامی کلاهبرداری بازپرس قرار وثیقه به میزان مبلغ ۴ میلیارد تومان صادر نموده بود که با اعتراض بنده به قرار، پرونده به شعبه کیفری ۲ که دادرسی ایشان از دوستان بنده بود، ارجاع گردید که ایشان نیز بعد از صحبت با اینجانب، مبلغ قرار را به ۴۰۰ میلیون تومان تقلیل داد.»

ج. تخفیف (بهبود) وضعیت شخص متهم نسبت به تحقیقات مقدماتی دادرسی: در قانون مجازات اسلامی و همچنین قوانین خاص موجود در خصوص برخی از اعمال مجرمانه، شرایطی از جمله تعدد و تکرار جرم،^{۲۶} تعدد مرتکبین،^{۲۷}

^{۲۶} از جمله مواد ۱۳۴ و ۱۳۷ ق.م.ا: ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری: از تمام آثار قابل انتقال موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به نحوی مهر و موم نمود که در معرض تلف نباشد. ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری: تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می شود.

^{۲۷} از جمله ماده ۶۵۱ ق.م.ا: هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد: ۱- سرقت در شب واقع شده باشد. ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. ۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. ۴- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا

میزان و مقدار موضوع جرم^{۲۸}، را پیش بینی نموده است که می‌تواند منجر به تشدید مجازات برای شخص گردد. بنابراین رد وجود این شرایط و یا از بین بردن مدارک اثباتی آن، می‌تواند شخص را از تحمل شرایط مشدده موجود رها سازد. در اینخصوص مصاحبه شونده شماره ۴ بازپرس یکی از دادرهای ویژه اعلام می‌دارد: «در جرایم سازمان یافته قانون قابل تفسیر است؛ مثلاً در قانون آمده است "۳ نفر" ... تفسیر اینکه ۳ نفر باید مباشر باشد و یا صرف وجود ۳ نفر اعم از مباشر یا معاون و ... کفایت می‌کند، تصریحی ندارد. در اینجا قاضی پرونده می‌تواند با تعامل با شخص تفسیر به نفع او را ترجیح دهد» و یا طبق گفته مصاحبه شونده شماره ۱۲ وکیل دادگستری: «در پرونده‌ای با عنوان ایراد جراحات با چاقو که مجازات آن علاوه بر دیه واجد جنبه عمومی است. با وجود نظریه پزشکی قانونی مبنی بر اصابت جسم تیز و برنده به بدن شخص، دادرس به جهت تعامل با وکیل پرونده، پرونده را جهت انجام تحقیقات بصورت نامحسوس به ضابط مورد اعتماد ارجاع نمود و ضابط مربوطه در صورت جلسه تنظیمی وجود چاقو در دست متهم را به استناد تحقیق محلی و اظهارات اهالی محل رد نمود. بدون اینکه اصلاً در محل حضور یابد و یا از اهالی محل تحقیقی انجام دهد.»

از طرف دیگر ایجاد بعضی از شرایط می‌تواند شخص را در وضعیت مساعد نسبت به اشخاص در شرایط مساوی با او قرار دهد و یا شرایطی را برای انجام برخی از اقدامات از طرف او فراهم سازد. از جمله ایجاد امکان ارتباط با بستگان و ملاقات با آنان، اعطای مرخصی به شخص بازداشت شده جهت فرار یا تاثیر گذاری بر شهود و شاکی، رفع توقیف از اموال متهم که در حین تحقیقات توقیف شده به بهانه اینکه این اموال جزء مستثنیات دین بوده و یا مطابق با ماده ۲۱۵ ق.م.ا جزء اموالی نیست که باید ضبط یا معدوم گردد.^{۳۰} در واقع زمانی که ذی نفعان از طریق تعاملات نتوانسته‌اند؛ مسئله مربوط به عدم تحمیل مسئولیت کیفری یا مختومه شدن پرونده را حل کنند، می‌توانند با تعاملات فاسد امکان اتخاذ چنین تصمیماتی را در پرونده فراهم کنند.

اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند. ۵ - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

^{۲۸} بند ۴ ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوی ۱۳۷۶/۸/۱۷ برای تولید، فروش و ... بیش از ۵ کیلو گرم تریاک مجازات اعدام را پیش بینی نموده است.

^{۲۹} تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.م.ا: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.»

^{۳۰} طبق تجربیات و اظهارات مصاحبه شونده شماره ۷ دادیار دادرهای عمومی و انقلاب

چ. صدور حکم به مجازات با شرایطی که مساعدتر به حال شخص باشد: ممکن است در خصوص یک پرونده چنان همه چیز مشخص و واضح باشد که مقام قضایی تعامل کننده صدور حکم برائت و یا مختومه نمودن پرونده را صلاح ندانسته و نخواهد بر صلاحیت قضایی خود نیز خدشه ای وارد نماید. لیکن تعاملات فاسد را در بستر تعیین و اجرای مجازات که با توجه به حفظ ظاهر رعایت قوانین در محکومیت شخص مجرم و با توجه به اختیاراتی که مواد قانونی به وی داده است، بستری امن تری است، جاری سازد. هرچند میزان مجازات در خصوص جرایم طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در قوانین مشخص و تصریح می گردد، لیکن همین قوانین کیفری نیز ابزارهای مختلفی را در اختیار مقام قضایی جهت تعیین مجازات ها و نحوه اجرا آن داده است که می تواند منجر به سواستفاده از آنها در ورود به تعاملات فاسد قرار گیرد. طبق ماده ۱۸ ق.م.ا دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی می بایست؛ انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی را در نظر بگیرد. این ماده به نوعی قرینه ای بر پذیرش اصل فردی بودن مجازات ها^{۳۱} در قانون مجازات اسلامی می باشد که در مواد دیگر این قانون نیز مصادیق متعدد دیگری دارد. از جمله این مصادیق می توان به پیش بینی کیفیات مخففه اعم از قانونی^{۳۲} و قضایی^{۳۳}، نهاد تعویق

^{۳۱} اصل فردی کردن مجازات ها، به معنی اعمال مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است. یعنی باید هر مجرم بر اساس ویژگی های شخصیتی خودش مجازات شود. باید به جایگاه اجتماعی مجرم، سابقه کیفری مجرم و... نیز توجه شود و در مجازات هرکس این ویژگی ها در نظر گرفته شود

^{۳۲} ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می شوند قبل از کشف قضیه، مامورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مامورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در اینصورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد.

^{۳۳} ماده ۳۷ ق.م.ا: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات های درجه چهار و بالاتر. ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه. پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار. ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال. ث- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل

(مواد ۴۰ تا ۴۵ ق.م.ا) و تعلیق اجرای مجازات (مواد ۴۶ تا ۵۵ ق.م.ا)، مجازات های جایگزین حبس (مواد ۶۳ تا ۸۶ ق.م.ا) توبه مجرم (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ ق.م.ا) قبل از صدور حکم و نظام هایی همچون نظام نیمه آزادی (مواد ۵۶ تا ۵۸ ق.م.ا) آزادی مشروط (مواد ۵۸ تا ۶۳ ق.م.ا) اشاره نمود. در اکثر مواد پیش گفته و نظام های پیش بینی شده در خصوص فردی ساختن مجازات، تشخیص و احراز شرایط قید شده در اختیار قاضی رسیدگی کننده قرار گرفته است. از جمله؛ ملاحظه وضعیت خانوادگی، اجتماعی و پیش بینی اصلاح مرتکب در صدور قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، تشخیص جبران ضرر و زیان در حد استطاعت محکوم در آزادی مشروط، احراز ندامت و اصلاح مرتکب در نظام توبه، مواردی است که تماما در اختیار دادگاه رسیدگی کننده بوده و مقام قضایی مربوطه می تواند با سوءاستفاده از این اختیارات، در مورد رهایی از مجازات با اعطای مجازات های جایگزین، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تخفیف در مجازات و صدور حکم به حداقل مجازات، اتخاذ تصمیم نماید. مثال این مورد را می توان در پرونده مصاحبه شونده شماره ۱۶ وکیل دادگستری مشاهده نمود؛ «خود من پرونده ای داشتم که در آن کارمند دادگستری متهم به رشوه شده بود که وجود اسناد واریزی مبالغ و اقرار خود رشوه دهنده و شهادت یک ناظر بر آن، انجام جرم را اثبات می نمود. قاضی دادگاه کیفری، مبلغ یک میلیارد را برای صدور تعلیق مجازات از وکیل پرونده درخواست نمود که با پرداخت یک میلیارد عنوان اتهامی به تحصیل مال از طرق غیر مشروع تغییر و حکم مجازات به استناد پیش بینی اصلاح و ابراز ندامت او تعلیق شد و در مهلت تجدیدنظرخواهی است.» همچنین با توجه به اینکه برای برخی از جرایم مجازات های متعددی پیش بینی شده است^{۳۴} که انتخاب یکی از آنها در اختیار قاضی رسیدگی کننده می باشد، در این صورت انتخاب مجازات مساعد برای محکوم نیز می تواند موجب اخاذی قاضی و یا ورود او در بستر تعاملات فاسد را منجر شود. مصاحبه شونده شماره ۳ وکیل دادگستری معتقد است که «در پرونده هایی که شاکی خصوصی ندارند و مجازات های سنگینی نیز برای آنها در قانون پیش بینی شده است از جمله مواد مخدر یا زمین خواری به دلیل اینکه کسی نیست تا نسبت به نتیجه امر اعتراضی نماید، بستر مساعدی برای

آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر. تبصره: چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن

مجازات تخفیف می یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود.

^{۳۴} . همچون ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و اختیار قاضی در صدور حکم حبس یک تا سه سال و یا جزای نقدی

از شش تا هجده میلیون ریال.

انجام تعاملات فاسد جهت صدور مجازات‌های مناسب به حال شخص و در نتیجه تغییر تمام شرایط پرونده جهت توجیه مجازات صادره را فراهم می‌سازد.»

۳-۳-۳ دادگاه تجدیدنظر:

از آنجایی که اشتباهات احتمالی قضات - خواه عمدی یا غیر عمدی - فقط از طریق فرم‌های تجدیدنظر رایج یا خاص مورد بررسی قرار می‌گیرند، قضاتی که انحصار محاکمات آخرین مرحله را دارند، منطقه آسیب‌پذیری را برای انجام تعاملات نشان می‌دهند. تا زمانی که دادگاه دیگری برای ارزیابی احکام دادگاههای بدوی وجود نداشته باشد، قضات تجدیدنظر برخلاف قضات دادگاههای رده پایین‌تر، «هدف» انتخابی برای تعاملات فاسد خواهند بود. روند تجدیدنظر که راهی مهم برای جبران خسارت در مواردی است که طرفین حکم صادره را اشتباه تصور کرده و نسبت به آن اعتراض دارند، فرصتهای دیگری را برای فساد قضایی ایجاد می‌کند. غریبالگری درخواستهای تجدیدنظر زمان رسیدگی به آنها، غالباً شفاف نبوده و کاملاً در اختیار شعبه رسیدگی کننده است. جلسات تجدیدنظر در اکثر مواقع بدون حضور طرفین دادرسی تشکیل می‌گردد که امکان تغییر یا الحاق مواردی به دادخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر را فراهم می‌کند. در نتیجه نحوه رسیدگی و بررسی پرونده مبهم و ناآشکار می‌باشد. رسیدگی به یک پرونده ممکن است، ماهها در تجدیدنظر به طول بیانجامد و یا برعکس در اسرع وقت و زودتر از موعد معمول رسیدگی گردد.^{۳۵} بنابر اظهار مصاحبه شونده شماره یک وکیل دادگستری «در پرونده‌ای طبق تعاملاتی که داشتیم، درخواست تجدیدنظر در روز ثبت به شخص مقابل جهت تبادل ابلاغ و در روز ۱۳ هم منجر به صدور رای گردید». قضات تجدیدنظر با توجه به اینکه قدرت پایان دادن به پرونده را دارند، غالباً مورد توجه طرفین برای انجام تعاملات هستند و به دلیل مزایای بالای پیشنهاد شده انگیزه مقامات به ورود در توافقات فاسد بالا می‌باشد، در نتیجه یک طرف با منابع محدود، اما دلایل مشروع، ممکن است؛ نتواند در پرونده نتیجه مطلوب خود را تحصیل کند.^{۳۶} از طرف دیگر همان گونه که مصاحبه شونده شماره ۲۸ قاضی تجدیدنظر بیان نموده است؛ این تعاملات مابین قضات بدوی و تجدیدنظر نیز متصور بوده و وجود توافق

^{۳۵} موارد مذکور از اظهارات مصاحبه شونده شماره ۹ قاضی دیوان عالی کشور با بیش از ۲۰ سال سابقه کار قضایی استخراج شده است.

^{۳۶} TI Secretara (2007) Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit Publisher: Field(s): Corruption Type: book.p33

ثابت بین قضات بدوی و دادگاههای تجدیدنظر در مورد تأیید احکام دادگاههای بدوی، بر اساس توافق های فسادآمیز، امکان پذیر می باشد.

باید به این مهم توجه نمود که معمولاً فساد قضات دادگاههای عالی هیچ وقت کشف نشده و در واقع تخلفات این قضات در صدور آراء غیر قانونی آشکار نمیشود. توضیح احتمالی برای این امر می تواند این باشد که پیچیدگی پرونده های ارائه شده در دادگاه های بالاتر فضای بیشتری را برای دستکاری و سوءاستفاده از اختیارات باز می کند. از طرف دیگر قضات های عالی عموماً در تفسیر قانون دارای مهارت و توانایی بیشتری هستند و از این رو توانایی بهره برداری از ابهامات قانونی و رویه ای را برای اهداف فاسد دارند. از سوی دیگر، پرونده های "فساد جمعی" بیشتر در دادگاه های بالاتر رخ می دهد که با توجه به جمع بودن تمام عوامل (اشخاص نظارت کننده همچون قضات دادگاههای عالی انتظامی و مقامی که باید پاسخگو باشد) در این مرحله کشف و آشکار شدن آنها عملاً غیر ممکن است (Peerenboom, 2009: 215). بنابراین نظار نظر مصاحبه شونده شماره ۶ دادیار یکی از دادرهای ویژه «قضات با سابقه بالا و تجربه بیشتر معمولاً ترس کمتری نسبت به قضات تازه کار شاغل در دادرها دارند. این اشخاص اگر بخواهند فساد بکنند و اهمه کمتری دارند چون هم در میان مقامات نظارت کننده نفوذ بیشتری دارند و هم راه و چاه انجام کار را بهتر می دانند.»

نتیجه گیری:

این پژوهش با هدف بررسی و کشف جلوه ها و مصادیق تعاملات فاسد در مراحل مختلف دادرسی در نظام عدالت کیفری و ارتباط بین ویژگی ها و اختیارات مقامات در فرآیند کیفری، صورت گرفت و یافته های آن نشان داد؛ مرحله اولیه در تعقیب و تحقیق یک اتهام در دادرها به دلیل سرمنشاء بودن کشف یک جرم و ادله اثبات آن و وجود اختیارات مقامات این مرحله در نحوه هدایت مسیر یک پرونده و عدم وجود نظارت مستمر و کافی بر اقدامات این اشخاص، بستر مساعدی برای انجام تعاملات فاسد بوده و مصادیق و جلوه های این تعاملات در این مرحله از تنوع گسترده ای برخوردار است. قضات دادگاه ها نیز با توجه به اختیار خود در انجام تحقیقات مجدد و همچنین رد تحقیقات انجام یافته در دادرها، می توانند موقعیت و وضعیت قانونی شخص متهم را نسبت به دادرها تغییر داده و در نتیجه در صدور حکم برائت یا محکومیت، انتخاب نوع و نحوه اجرای مجازات وارد تعامل با اشخاص ذی نفع شوند. همچنین این تحقیق نشان داد که چگونه مقامات در مراحل بالاتر به دلیل تجارب بالای این اشخاص در قانونی سازی ظواهر اقدامات انجام یافته و تحلیل بظاهر درست از آن با سوءاستفاده

از اختیارات خود و ضعف های قوانین جاری، مورد توجه مراجعین دادگاه در رجوع به آنها برای انجام تعاملات فسادآمیز قرار می گیرند.

منابع:

الف) فارسی

- آلبرشت، هانس یورگ، (۱۳۸۸) فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین المللی در زمینه ی پیشگیری و منع فساد؛ (مجید قورچی بیگی)، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸
- پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰)، ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن (سمیه عالی) پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه
- حسینی، داود، حبیبی لیلی، آقاجعفری مهدیه، (۱۳۹۳) بررسی علتهای قانونی - قضایی فساد و ارزیابی وضعیت راهبردهای قانونی - قضایی برای مبارزه با فساد، نظارت بازرسی، سال ۸ شماره ۲۸، صص ۸۳-۱۱۶
- دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰)، سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: مهرکلام
- سازمان شفافیت بین الملل (۱۳۹۵)، فساد در نظام های قضایی؛ گزارش سازمان شفافیت بین الملل (لیلی منفرد) مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه (۲۰۰۷)
- طاهری احد، طباطبایی، محمدصادق (۱۳۹۹)، تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران؛ فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۲۵۸-۳۰۲
- معاونت پژوهشهای اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، (گروه مطالعات کسب و کار) (۱۳۹۷)، پایش امنیت سرمایه گذاری در زمستان ۱۳۹۶ به تفکیک استان ها و حوزه های کاری، تهران: مجلس.

ب) انگلیسی:

- Analysis of the Criminal Justice System's Response to Corruption (Bosnia and Herzegovina) Technical Report · January 2017.
- Anyshchenko, A. (2010). Transformation of the Ukrainian public prosecution according to the European democratic standards in comparison with the Baltic states (Master's thesis, University of Twente).
- Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500, 1(1), 1213-1253

- Balko, R. (2013). The untouchables: America's misbehaving prosecutors, and the system that protects them. *Huffington Post*, 8(01), 2013..
- Benson, B.L., (1988). An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. *Cato J.*, 8, p.139.
- Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. *Journal of Humanities and Social Science*, 21(8), 12-21
- Brooks, G., Walsh, D., Lewis, C., & Kim, H. (2013). Preventing corruption: Investigation, enforcement and governance. Springer..
- Brooks, G. (2019). Criminal justice and corruption. State power, privatization and legi..
- Brooks, G. (2016). Criminology of corruption. London, UK: Palgrave Macmillan. doi, 10, 978-1.
- Burkhardt, B. C. (2014). Private prisons in public discourse: Measuring moral legitimacy. *Sociological Focus*, 47(4), 279-298..
- Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. *International review of law and economics*, 21(2), 233-249.
- Buscaglia, E., and S. G. Ruiz. (2002). "How to Design a National Strategy against Organized Crime and Public Sector Corruption in the Framework of the United Nations' Palermo Convention." In *The Fight against Organized Crime*. New York: UNDP Press
- Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary <https://rm.coe.int/16806edf5>.
- Deflem, M., 1995. Corruption, law, and justice: A conceptual clarification. *Journal of Criminal Justice*, 23(3), pp.243-258.
- Danileț, C., & Vasilescu, V. (2010). Corruption and anti-corruption in the justice system. CH Beck..
- Gong, T. (2004). Dependent judiciary and unaccountable judges: Judicial corruption in contemporary China. *China Review*, 33-54.
- Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia.
- International Bar Association. (2016). The international bar association judicial integrity initiative: judicial systems and corruption. Ibanet. Org.
- Jenkins, S. (2013). Miscarriages of justice and the discourse of innocence: Perspectives from appellants, campaigners, journalists, and legal practitioners. *Journal of Law and Society*, 40(3), 329-355.
- Kutner, J. (2014). In South Africa: Corrupt Prosecutors an Ever-Larger Problem. *Christian Science Monitor*, 2.
- Li, L. (2010). Legality, discretion and informal practices in China's courts. Unpublished PhD thesis, Leiden University.
- Lindgren, J. (1987). The elusive distinction between bribery and extortion: from the common law to the Hobbs Act. *UCLA L. Rev.*, 35, 815.
- Miller, G. P. (2004). Bad Judges. *Texas Law Review*, 83(2), 431-487.
- Neil, M. 2014. "Former District Attorney Gets 13 Years in Federal Corruption Case over His Work as a Prosecutor." *American Bar Association Journal*, 11 February. <http://bit.ly/1xBhuEW>

- New York (NY). Knapp Commission. (1972). The Knapp Commission report on police corruption. George Braziller.
- Peerenboom, R. (Ed.). (2009). Judicial independence in China: lessons for global rule of law promotion. Cambridge University Press.
- Ríos-Figueroa, J. (2012). Justice system institutions and corruption control: evidence from Latin America. *Justice System Journal*, 33(2), 195-214.
- Sengupta, K. 1998. "Corruption Inquiry into Crown Prosecution Service. Independent, 12 October.
- Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. U4 Issue.
- " Sherman, L. W. (Ed.). (1974). Police corruption: A sociological perspective. New York: Anchor Press.
- Sherman, L. W. (1978). Scandal and reform: Controlling police corruption. Univ of California Press.
- TI Secretara (2007) Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit Publisher: Field(s): Corruption Type: book.
- Voigt, S., & Gutmann, J. (2015). On the wrong side of the law-Causes and consequences of a corrupt judiciary. *International Review of Law and Economics*, 43, 156-166
- Wagner, B. B., & Jacobs, L. G. (2008). Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations. *U. Pa. J. Int'l L.*, 30, 183.